پزشکیان عملکردش را تغییر ندهد، سرنوشت مشابه دولت رئیسی خواهد داشت

شاخص مسئولیت پذیری حکومت در ایران، پایین تر از مفلوک ترین کشورهای دنیا

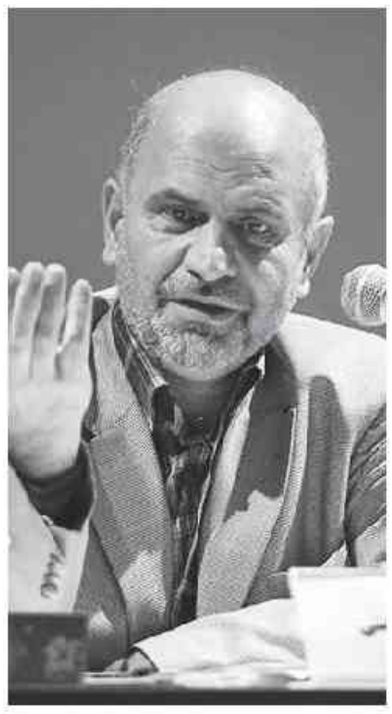

دکتر فرشاد مومنی، رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد با بیان اینکه صمیمانه و مشفقانه به مسعود پزشکیان، هشدار می‌دهم که اگر آنگونه که تا امروز عمل کرده عمل کند، بر سر او همان خواهد آمد که بر سر دولت رئیسی رفت، گفت: آقای پزشکیان باید انتخاب استراتژیک کند، آیا او هم می‌خواهد دلالها، رباخوارها و سوداگران را چاق‌تر کند یا آنگونه که وعده داده به فرودستان در زمینه مسکن، تغذیه، آموزش و سلامت اولویت دهد!؟

دکتر فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی که در نشست «بایسته‌های سیاست گذاری مسکن در دولت چهاردهم» و در موسسه مطالعات دین و اقتصاد سخن می‌گفت، اظهار داشت: تا زمان شروع به کار دولت جناب آقای پزشکیان در موسسه مطالعات دین و اقتصاد، مسئولیت ملی خود را جهت تحقق وعده‌های رئیس جمهور و بلور کردن ایده‌هایی که در بحث به غایت ناکافی از جمعیت پدیدار شده، این گونه تعریف کرده‌ایم که با زبان کارشناسی و با افشاگری زبان‌های رانتجو و سوداگر، مهمترین اولویت‌هایی که دولت محترم باید به آنها توجه داشته باشد را گوشزد می‌کنیم.

وی با بیان اینکه امیدواریم به اندازه زحمت بی‌منتی که دوستان عزیز ما در این رابطه می‌کشند خیری هم برای جامعه مان پدید آید، ادامه داد: از روز انتخاب آقای پزشکیان با کمال تاسف شاهد همه جور سهم خواهی و رقابت‌های مخرب، کارشکنی‌ها و فرصت طلبی‌ها هستیم، اما صدای این واقعیت، تنها در نامه مشترک من و آقای دکتر راعفر منعکس شد. آن صدا این است که کشور بدون یک برنامه با کیفیت روند قهقرایی و رو به سقوط را طی خواهد کرد.

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد گفت: بسیار متاسفم که رئیس جمهور منتخب و اطرافیانش تا امروز کمترین اعتنا را به این مسئله کرده اند و ما حتی سازوکارهای شروع این حرکت را هم در آن نامه گوشزد کرده بودیم. بسیار متاسفم که در فضای به غایت احساسی و و رانت جویانه و غافل از مسائل بنیادی کشور، هنوز این واقعیت در گفته‌ها و تلاش‌های آقای رئیس جمهور منتخب و اطرافیانشان انعکاسی ندارد که حل و فصل موردی و جزیره‌ای مسائل در ایران، یک توهم بزرگ است. آبروی دولت‌های احمدی نژاد، روحانی و رئیسی در بالاترین سطح از این ناحیه ریخته شد که که آنها دچار این توهم بودند که با مسائل پرشمار و حاد کشور می‌شود مورد به مورد، بدون یک نگرش سیستمی و سطح توسعه برخوردی اصولی داشت. این نگرانی با کمال تاسف در دوره کوتاه انتخاب آقای پزشکیان مقداری شدت هم گرفته است؛ چون کسانی که بسیار بیشتر شایع هست درباره اینکه سهمی از این انتخاب نصیب آنها شود، مشکوک‌ترین و خطرناک‌ترین حرف‌ها را زده‌اند.

مومنی اظهار داشت: همدلی‌های مشکوک با رانتی معدنی‌ها، زمزمه وارد کردن شوک جدید به نرخ ارز بدون توجه به اینکه این کار تحت عنوان حذف ارز ترجیحی، آبروی برای دولت رئیسی باقی نگذاشت و شما شاهد بودید که در آن دولت جهشی در قیمت مواد غذایی اتفاق افتاد که در دوره پس از جنگ جهانی دوم بی‌سابقه بود. آنها اسم خود را دولت محرومان گذاشتند، اما وقتی کارنامه‌شان این است که وحشتناک‌ترین ضربه‌ها در اثر شوک درمانی به قیمت غذا، دارو، سلامت و مسکن مردم تحمیل شد از این عنوان ادعا شده جز یک کاریکاتور مضحک چیزی باقی نگذاشت. من بسیار متاسفم که آقای پزشکیان با اینکه شرافتمندانه قول داده بود از هر نوع شوک درمانی پرهیز کند، هنوز در دهان این افراد نرده است و به خوبی به آنها میدان داده و راه را برای طی کردن مراحل پس از شوک درمانی و توزیع رانت میان غیرمولدها، که شرافتمندانه‌ترین عنوانی است که می‌توان به آنها داد، بازگذاشته است.

این اقتصاددان با بیان اینکه صمیمانه به آقای پزشکیان و هر کسی که بعدها با ایشان همکار خواهد شد عرض می‌کنم که اگر بخواهند حادترین مسائل کشور را به صورت جزیره‌ای حل کنند و حتی تمام انرژی موجود در نظام ملی را هم خرج این مسئله کنند، قطعا شکست خواهد خورد. ابراز عقیده کرد: تردید ندارم آن کسانی که بحث از ارز تک نرخی در این شرایط مطرح می‌کنند، می‌دانند این یک شعار ترخالی است. ترخالی بودن آن به قیمت‌های گزاف چند ده میلیارد دلاری از جیب مردم پس داده می شود، منابع هنگفتی که به کام لاشخورها می رود و این طرح، آزمایش خود را بارها و بارها پس داده است. بنابراین نمی‌توانیم تداوم آن را حمل بر نفهمی آنها بکنیم. ماجرا این است که آنها که در تسخیر گروه‌های غیرمولد و رانتجو هستند، علی الظاهر تا این لحظه جایگاه قابل اعتنایی را نزد رئیس جمهور منتخب داشته‌اند و این یک هشدار صمیمانه و خاضعانه به ایشان است که هرچه دیرتر مرز خود را با این اندیشه‌های مشروعیت سوز و فلاکت ساز روشن کند، فاصله بین مردم و حکومت را از آنچه که هست هم بیشتر خواهد کرد.

به گفته مومنی؛ تعهدات و قول‌هایی که آقای پزشکیان دادند، با آنچه که جسته و گریخته از اطرافشان شنیده می‌شود فاصله دارد. نه تنها درباره جهت گیری‌های سیاستی، بلکه در انتخاب افراد هم حرف‌های بسیار مشکوکی شنیده می‌شود. چون هنوز اظهارات رسمیت ندارد ما به طور مشخص درباره آن صحبت نمی‌کنیم؛ اما صمیمانه و مشفقانه به آقای پزشکیان عرض می‌کنم اینکه تا روز انتخاب شدن، سلقه‌ای از دروغگویی و فساد نداشته‌اید یک اعتبار بزرگ است. بنابراین اجازه ندهید آن اعتبار بزرگ، خرج افراد نامناسب و متصل به کانون‌های رانت، فساد و رباخواری شود.

این عضو هیات علمی دانشگاه یادآورشد: شاید بسیار راحت‌تر از خیلی‌ها بتوانم این حرف‌ها را بزنم، چرا که همه می‌دانند که نه من طمعی به این توزیع قدرت و ثروت دارم و نه کسی هست که جرات این را داشته باشد که بخواهد خدشه‌ای به این مباحث از نظر اعتبار علمی وارد کند.

وقیح است که نامزدهای کلیدی برخی مناصب، ازنظر مدرک تحصیلی هم غیرشایسته هستند

این استاد دانشگاه با بیان اینکه قیمت مسکن در تهران از ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۲ حدود ۵۶۰ برابر شده است، توضیح داد: بسیار وقیح خواهد بود اگر آقای پزشکیان که در مناظره‌های انتخاباتی خود همه چیز را به علم ارجاع می‌داد، به جایی برسد که اکنون بحث بر سر این است که نامزدهای کلیدی تخصصی‌ترین دستگاه‌ها، حتی از نظر مدرک تحصیلی، غیر شایسته‌ترین افراد هستند، چه برسد به اتصالات قدرت و ثروت آنها! حیاتی‌ترین قولی که آقای پزشکیان داد و من و ۵ نفر از دوستان بسیار عزیزم بر اساس آن قول، انگیزه پیدا کردیم که به ایشان رای دهیم اجتناب از شوک درمانی بود. من می‌گویم آقای پزشکیان حواست به مسائل بسیار کم اهمیت جلب شده و بیخ گوشت حرف از شوک درمانی به میان می آید و شما تاکنون یک واکنش تا امروز نشان نداده‌اید! این در شأن کسی که اشتهار به فساد و دروغگویی ندارد نیست. بنابراین صمیمانه و مشفقانه به ایشان عرض می‌کنم بازنگری جدی و اساسی در اطراف خود داشته باشند.

مومنی اضافه کرد: ایشان شعار و ادعای عدالت را مطرح کردند و ما همان زمان به ایشان هشدار دادیم که احمدی نژاد هم این شعار را داد؛ اما آنچه که برای مردم به یادگار گذاشت دو برابرشدن شاخص فلاکت بود! یکی از سئوال‌های تحمیل فلاکت که به بخش اعظم مردم ایران در دوره پس از جنگ و در سایه برنامه منحوس تعدیل ساختاری، وارد شده در زمینه داشتن حق برخورداری همه آحاد کشور از یک مسکن به معنی دقیق کلمه است، حقی که مبنی بر قانون اساسی است ما از این بحث شروع کردیم، به این دلیل که مطلع رانت جوها، دلال‌ها و رباخوارها، فریب محوری بازارگرایی مبتذل را هم به دولت رئیسی حقنه کردند. ایشان حیثیت خود را از جمله در این زمینه گرو گذاشت و گفت در ٤ ساله اول مسئولیتم ٤ میلیون مسکن خواهم ساخت!

وی با بیان اینکه بسیاری از کارشناسان از جنبه‌های مختلفی با نهایت مهر و شفقت به آن دولت گوشزد کردند که حتی اگر چنین کاری ممکن باشد این کار دمیدن به تنور آزمندی بی‌پایان سوداگران است و گرفتاری‌های فقرا را برطرف نخواهد کرد، خاطرنشان کرد: جنگ زرگری که در سه ساله دولت رئیسی همراه انجام می شد، این بود که مرتب از ایشان می‌پرسیدند پس آن ٤ میلیون مسکن چه شد!؟ در واقع، بخش مهمی از آن، صرف نظر از زد و خوردهای باندی و جناحی، به مافیاهای رسانه‌ای برمی‌گردد که توسط این سوداگران تامین مالی می‌شوند. آنها بودند که این مسئله را تیتر یک سه ساله دولت رئیسی نگه داشتند. رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد تاکید کرد: طنز تلخی وجود دارد و من صمیمانه و مشفقانه به مسعود پزشکیان، هشدار می‌دهم که اگر آنگونه که تا امروز عمل کرده عمل کند، بر سر او همان خواهد آمد که بر سر دولت رئیسی آمد. آن طنز تلخ، بی‌اعتنایی به نظر کارشناسی بود. بیخ گوش رئیس جمهور قبلی در مرکز تحقیقات استراتژیک او تحقیقی صورت گرفته بود که مکرر به اشکال مختلف در درون آن دولت مطرح شد، اما آنها به هر دلیل تمایل نداشتند که این یافته‌های علمی، انتشار عمومی پیدا کند. ما هم که در جریان این قضیه قرار گرفتیم به این دلیل بود که تیمی که این گزارش را تهیه کرده بود به دعوت ما به فرهنگستان علوم آمد و نتایج تحقیقاتش را ارائه کرد.اصل در بازارگرایی مبتذل، عرضه بی منطق و بی کیفیت است

مومنی توضیح داد: این گزارش می‌گفت حتی اگر ما راه‌های بسیار دور را نخواهیم برویم، در ۱۱ ساله ۱۳۸۵ تا ۹۵ در ایران حدود ۱۱ میلیون خانه ساخته شده است. یعنی آن وعده‌ای که آن آقا داد و تقریبا نتوانست به هیچ کدامش عمل کند، اگر به کارشناسی بیخ گوش خود توجه می‌کرد متوجه می‌شد این اتفاق افتاده و با وجود آن مسئله مسکن در ایران هر روز حادتر و بحرانی‌تر می‌شود؛ چرا که در چهارچوب بازارگرایی مبتذل، اصل را بر عرضه بی‌منطق و بی‌اعتنا به کیفیت تقاضا می‌گذارند. در این چهارچوب هرچه که عرضه می‌شود، به تسخیر لاشخورها در می‌آید. شما عین این ماجرا را در مسئله نرخ ارز هم می‌توانید مشاهده کنید و آن بازارگرایی مبتذل که از زبان آن فرد که بیخ گوش پزشکیان است و واژه مجعول بازار ارز را برای آن به کار گرفت، هم بیرون می آید این است که عزیزان شوک بزرگ به نرخ ارز وارد می‌کنند و بعد با عنوان اینکه ما فکر نمی‌کردیم پیامدهایش تا این میزان فاجعه ساز باشد شروع می‌کنند ذخایر اندک استراتژیک و بین نسلی ارزی کشور را در یک بازار سیاهی که متاسفانه اسم آن را بازار آزاد گذاشته‌اند توزیع می‌کنند.

این اقتصاددان با بیان اینکه اگر می‌خواهید رد این مسئله را نگاه کنید، صفحه ۳٤ تا ۷٤ کتاب هنر تحریم‌ها نوشته ریچارد نفیو، مسئول کلیدی تحریم‌های تحمیل شده به ایران را نگاه کنید، اظهارداشت: نفیو می‌گوید هدف راهبردی ما برای زمین زدن ایران این است که منابع استراتژیک ارزی آنها صرف امور بی‌کیفیت و فاقد اولویت شود. به محض اینکه ارز را به بازار تزریق می‌کنید، چه کسانی خریدار اصلی آنها هستند!؟ درصد اندکی از جمعیت. اما بار بین ماجرای سوداگرپرورانه را چه کسی به دوش می کشد!؟ مردم بی‌پناه و تولید کنندگان بی‌پناه‌ترین کشور ما! عین ماجرای مسکن و ارز در بازار خودرو هم هست

مومنی یادآورشد: با حرف‌هایی که زده شد پاس گل‌های مشکوکی، همین چند روز پیش توسط همین به اصطلاح دولتی که عمرش در حال پایان است، در زمینه آزادسازی افراطی خودرو راه افتاده است. در کشوری که تعداد خودروهایش، بیش از ۳۰ میلیون واحد است، نمی‌توانی با ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار واردات این بازار را به قول خودتان به سامان کنید! تنها چیزی که باقی می‌ماند پاس گل دادن به ریچارد نفیو و آمریکایی‌هایی است که می خواهند منابع استراتژیک کشور در امور غیر ضروری و مصرفی هرز رود. مانند این مسئله در مسکن و جاهای دیگر هم هست و شاید یکی از بزرگترین خدماتی که از جنبه اندیشه ای، بتوان به دولت پزشکیان کرد، این است که او را از اینکه به دام منحوس بازارگرایی مبتذل بیفتد پرهیز دهیم.

این عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی ادامه داد: در تحقیقی که در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری در مهر سال ۱٤۰۱ منتشر شده، آمده است که در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ حدود ۱۱ میلیارد مسکن در ایران ساخته شده به گونه‌ای که ما با پدیده سبقت تعداد خانه‌های موجود در کشور از تعداد خانوارهای کشور برویم! ببینید چه پوست خربزه‌ای زیر پای رئیسی انداخته بودند تا در این شرایط بگویند من ٤ میلیون واحد جدید هم می‌سازم! پیش از آن هم نه تنها سالی یک میلیون مسکن جدید در ۱۱ سال پیاپی مشکل مسکن ایران را حل نکرده بود بلکه بحرانش را هم شدیدتر کرد. بنابراین حتی اگر آن کار را هم می‌کردند، مشکل مسکن حل نمی‌شد و تنها گرفتاری و آزمندی بی‌پایان سوداگران و دلال‌ها را حل و فصل می‌کرد. آقای پزشکیان باید انتخاب استراتژیک کند، آیا او هم می‌خواهد دلالها، رباخوارها و سوداگران را چاق‌تر کند یا آنگونه که وعده داده به فرودستان در زمینه مسکن، تغذیه، آموزش و سلامت اولویت دهد!؟ آن گزارش می‌گوید علی رغم اینکه ۱۱ میلیون مسکن در ۱۱ سال تا پایان سال ۱۳۹۵ ساخته شده است اما از اسفند ۱۳۹٦ تا اسفند ۱٤۰۰ میانگین قیمت مسکن در تهران رشد بیش از ٦۰۰ درصد داشته است، بازارگرای مبتذل یعنی همین!

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد اضافه کرد: من می‌فهمم که هیچ کدام از روسای جمهور قبل، تخصص اقتصادی نداشتند؛ اما به تعبیر سامرنلسون اگر کل ماجرای اقتصاد فقط عرضه و تقاضا بود می‌توانستید هر چند روز یک بار یک طوطی را اقتصاددان کنید! این بازی خوردن از آقای پزشکیان بسیار قبح‌تر از روسای جمهور قبلی است، چون هیچ کدام از آنها به اندازه ایشان به نظر کارشناسی احاله نداده بود و بسیار متاسفیم که تا امروز در اطراف ایشان غیرکارشناسی ترین و مشکوک‌ترین حرف‌ها زده شده و حرف از گزینش مشکوک‌ترین افراد هم زیاد شنیده می‌شود. این یک هشدار صمیمانه و نوش دارویی قبل از مرگ سهراب است. امیدوارم ایشان و اطرافیان صادقش زودتر به هوش بیایند

مومنی اضافه کرد: داده اطلاعاتی بسیار مهم دیگری که در آن گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک مطرح شده، این است که ۱۱ میلیون مسکن ساخته شده، اما فقط ۲.۵میلیون نفر به تعداد مالکان افزوده شده است. درک این موارد نبوغ لازم ندارد، فقط به اعداد و ارقام توجه کنید! با فور عرضه روبرو بودید، اوضاع از نظر قیمت آنگونه شده است که در سال ۱٤۰۱ در شهر تهران سهم هزینه مسکن در سبد خانوار به ٤۷ و نیم درصد رسیده است، یعنی تقریبا دو برابر میانگین جهانی! این چه جور عرضه‌ای است که هم قیمت را بالا می‌برد و هم فشار را بر خانوارها افزایش می‌دهد!؟

وی افزود: در این گزارش می‌گوید البته نظام آمار و اطلاعات ما هم در این فریب نقش دارد، بنابراین تصمیم گیران کشور باید بدانند قبل از اینکه آزمندی لاشخورها و دلال‌ها را کنترل کنند، افزایش عرضه، آبی برای این کشور گرم نخواهد کرد، بلکه فشار را بر مردم و به ویژه فرودستان اضافه‌تر می کند. این گزارش می‌گوید در همه جای دنیا، یک شاخص مهم سیاست گذاری برای مسکن «شاخص تراکم» است؛ یعنی سنجش نسبت خانوارها با تعداد واحدهای مسکونی. در ایران برای محاسبه نسبت خانوار به مسکن صرفا خانه‌های دارای سکنه مبنای محاسبه است! یعنی خانه‌های خالی را در این آمار جزء خانه‌های موجود نمی‌آورند و این تبدیل به کانونی برای فریب شده است و بیچاره آن مسئول کلیدی کشور که حسن نیت هم دارد اما صلاحیت تخصصی ندارد و فقط صاحبان مدرک را دور خود جمع کرده است. در نتیجه تعداد مسکن مورد نیاز بیشتر نشان داده می‌شود.

این استاد اقتصاد با بیان اینکه بیان تعداد بحران مسکن در ایران ساعت‌ها گفتگو نیاز دارد، اظهارداشت: وزارت مسکن در گزارشی اعلام کرده است که تا پایان سال ۱۳۹۵ ارزش خانه‌های خالی، معادل ۲۵۰ میلیارد دلار بوده است. وقتی می‌گویم بازارگرای مبتذل، یعنی همین! به همان سکنی که ارزهای محدود و به غایت استراتژیک در شرایط تحریمی، به اسم کنترل نرخ ارز در بازار سیاه عرضه می‌شود و از گردونه قاعده گذاری و برنامه‌ریزی کشور خارج می‌شود، در مسکن هم همین بساط را داریم تازه این آمار متعلق به قبل از سال ۹۵ است، در حالی که اصل جهش قیمت مربوط به بعد از این سال بوده. وزارت مسکن می‌گوید آنها که با منطق عرضه و تقاضا جلو رفتند، معادل ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌های اصلی کشور را تحت عنوان خانه خالی دود کرده‌اند و ابزار طمع سوداگرانه شده است.

مومنی تاکید کرد: ۲۵۰ میلیارد دلار اتلاف فقط در بخش مسکن با عنوان خانه‌های خالی انجام شد، آن هم در شرایطی که در پایان ۱۳۹۵ ارزش کل بورس ایران ۱۱۰ میلیارد دلار بوده است! ببینید مافیاها در ایران چه دست بالایی دارند! از سر شفقت به آقای پزشکیان هشدار می‌دهم، می‌گویم این همه روسای جمهور قبلی ما بازی خوردند. بس نیست که باز بیخ گوش خودتان کسانی را می‌آورید که برای ما بلندگوی رانتی معدنی‌ها و شوک درمانگرها شده‌اند!؟ بسیار مایه شگفتی است که این مرد که شرافت خود را گرو گذاشت تا امروز هنوز نسبت به این ایده‌های مخرب واکنش نشان نداده است آقای پزشکیان، ۲۵۰میلیارد دلار دربخش مسکن دود شد اما همزمان جمعیت حاشیه نشین، جهشی بی سابقه تجربه کرد

اندازه جمعیت حاشیه نشین در ۵ سال گذشته به ۲۰ تا ۲۵ درصد کل جمعیت رسیده است

وی گفت: به آقای پزشکیان که اعلام کرده به عدالت اهمیت می‌دهد، عرض می‌کنم به موازات اینکه ۲۵۰ میلیارد دلار دود شد و در راه منافع سوداگران و دلال‌ها به کار رفت، جمعیت حاشیه نشین شهری در ایران جهش‌های بی‌سابقه تجربه کرده است. بعضی از داده‌ها می‌گویند، اندازه جمعیت حاشیه نشین در ایران در ۵ سال گذشته به حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد کل جمعیت رسیده است، کم کم به گونه‌ای می‌شود که گویا متن اصلی آنها هستند و حاشیه کسان دیگرند! حاشیه آنها هستند که پول‌های ظالمانه را از کشور خارج می‌کنند و دیده و شنیده‌اید که چگونه در خارج از کشور خرجش می‌کنند.

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد یادآورشد: مسئله حیاتی در این زمینه این است که بدون برنامه آقای پزشکیان و دولتش مرکب از هر کس که می‌خواهد باشد، آلت دست مافیاها خواهند شد. یک برنامه با کیفیت راه نجات ایران است. به ایشان توصیه خاضعانه می‌کنم هرچه سریع‌تر طرفداران شوک درمانی، مشتهرین به فساد و طرفداران بازارگرایی مبتذل و آنها که به جای اینکه به منافع ملی توجه کنند، منافع رانتی معدنی‌ها و رباخوارها را نمایندگی می‌کنند را از اطراف خود دور کند، در غیر این صورت هم ایشان و هم کشور به شدت ضرر خواهند کرد.

به گفته این استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، علی‌ترین شرایط ایران در این زمینه دوره جنگ بوده است، این شرایط، تصادفی نبوده است!؟ در دوره جنگ در چارچوب یک برنامه اندیشیده، ابتدا کانون‌های اصلی مفتخوارگی را قفل کردند. تمهیدات نهادی پیشگیرنده از فساد را در دستور کار قرار دادند و برنامه ملی ارتقاء بنیه تولیدی را محور توسعه کشور قرار دادند. این گونه شد که در همین گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک دوره آقای رئیسی می‌گویند در سال‌های جنگ در تهران خانوارهای ساکن در خانه‌های استیجاری حدود ۱۲ درصد بودند، این نسبت در تهران ۱٤۰۰ از ۵۰ درصد عبور کرده است! ببینید چگونه راه نجات ایران از مسیر کنترل آزمندی‌های بازارگرهای مبتذل و مفت‌خوارها و دلال‌ها و سوداگران می‌گذرد!؟

هیچ رئیس جمهوری حتی اگر حسن نیت مطلق هم داشته باشد، صندلی خود را آبرومند ترک نخواهد کرد، تاکید کرد: آقای پزشکیان باید تیم خود را بر محور تغییر ریل قرار دهد و انتخاب کند. آنچه که تاکنون مشاهده می‌کنیم این است که همان‌ها که در این نزدیک ۳۵ سال کمر ایران را شکسته‌اند، دوباره رنگ عوض کرده‌اند. ببینید این افراد چقدر توانایی دارند که یکی از آنها در دولت خاتمی پست سطح بالا داشته، در دولت احمدی نژاد و روحانی همان پست را حفظ کرده و در دولت رئیسی هم پست کلیدی داشته و اکنون هم جزء کاندیداهای پست کلیدی است

وی گفت: آقای پزشکیان، آنها را که تحت عنوان نماینده ی این سر و آن سر، اطراف خود جمع کرده‌اید که برایتان صلاحیت جمع کنند، تنها با شاقول صلاحیت تحصیلی، با آن حیطه‌ای که برایش کلدید شده چک کنید تا متوجه شوید در حال تدارک دیدن چه کلاه های گشادی برای خودتان و ملت هستند. به اعتبار اینکه پزشکیان می‌دانند و دوستانم می‌دانند که چقدر برای ایشان احترام و ارزش قائل هستم این میزان صریح صحبت می‌کنم. برای من هم بسیار تلخ و گزنده است که یک مرد شرافتش را گرو بگذارد و بگوید هرگز به سمت شوک درمانی نخواهم رفت، اما اولین حرفی که از نزدیک‌ترین افراد اطراف ایشان گفته می‌شود این باشد که راه نجات شوک درمانی است! بسیار تلخ و مشکوک است

مومنی خاطرنشان کرد: صمیمانه و مشفقانه می‌گویم ضربه اصلی که شوک درمانی وارد می‌کند به بخش‌های مولد است. این مساله هم در سطح نظری و هم در سطح تجربی اثبات شده است. بیان تئوریک مساله این است که سیاست‌های شوک درمانی و تورم زا، ضمن ایجاد بحران تولد واحدهای تولیدی جدید در کشور و همزمان استمرار واحدهای تولیدی موجود را دچار چالش می‌کند. مجوزدهی بی ضابطه، حساب و کتاب رانتی دارداین استاد دانشگاه با بیان اینکه بازارگرایی مبتذل عرضه گرایی مشکوک را در دستور کار قرار داده و تحت عنوان تقویت تولید به طرز مشکوکی مجوز احداث واحدهای تولیدی می‌دهد در حالی که گزارش‌های رسمی می‌گوید نزدیک به ٦۰ درصد ظرفیت تولیدی واحدهای موجود بلا استفاده است، ادامه داد: آیا کسی است که نفهمد تا زمانی که ریشه‌های بلا استفاده ماندن ٦۰ درصد واحدهای تولید حل و فصل نشده باشد، هر واحد تولیدی جدید که مجوز می‌گیرد هم همین شرایط را خواهد داشت. همین مجوز بهانه کسب ارز و ریال به قیمت‌های ویژه می‌شود، بعد می‌بینید مثلا در جاده خراسان چقدر سوله نیمه کار بیداد می‌کند! همه این‌ها حساب و کتاب رانتی دارد به نام تولید به کام مفت‌خورها! به نام مستاجران به کام سوداگران! این حدیث بازارگرایی مبتذل در ایران طی بالغ بر ۳۵ ساله گذشته شده، که واقعا بسیار تلخ است!

وی گفت: نکته دوم که برای مسعود پزشکیان بسیار حیاتی تر است؛ چرا که شرافت خود را گرو گذاشت، این است که در سطح نظری گفته می‌شود شوک درمانی، کشورها را با بحران انباشت سرمایه انسانی روبرو می‌کند. شوک درمانی نیروی محرکه جهش هزینه‌های سلامت و هزینه‌های آموزش و هزینه‌های تغذیه مردم می‌شود. این‌ها مواردی است که آقای پزشکیان قول داده و رسیدن به آنها با اجرای شوک درمانی مغایرت دارد و ایشان تا امروز در برابر این مسائل سکوت کرده است

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد با بیان اینکه آنچه که مسئله شوک درمانی را به یک مسئله امنیت ملی تبدیل می‌کند این است که شوک درمانی نیروی محرکه بحران توانمندی حکومت می‌شود، ابراز عقیده کرد: یعنی حکومت چنان ضعیف می شود که در داخل ناچار است به لاشخورهای داخلی باج دهد و در خارج به لاشخورهای بیرونی. چرا جرات نمی‌کنند قراردادهایی که با خارجی‌ها امضا کردند را منتشر کنند؟ به این دلیل که علائمی وجود دارد که برخی از امتیازاتی که به قدرت‌های خارجی داده شده، شرم آور است. اینها نشان دهنده این است که زورگو، زورگوست؛ اسمش هرچه می‌خواهد باشد. روس و انگلیس، یا چین و آمریکا! هر جنایت و قصاوتی که هر کدام دارند، نقیشان هم دارند و نکته کلیدی این است که آنها هیچ مشکلی هم با یکدیگر ندارند اما عده ای دچار این توهم هستند که زیر چتر یک طرف بروند تا از شر طرف دیگر مصون بمانند.

مومنی گفت: حدود ۲۵ سال پیش، دوست دانشمند من آقای دکتر «حسین راعفر»، کتابی منتشر کرد با عنوان «دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی»، که در آن آمده قدرت‌های بزرگ بر سر زورگیری به ضعفا با هم هماهنگ هستند. در این زمینه تضادی وجود ندارد که بخواهی از آن استفاده کنی! اگر آنقدر زرنگ بودی که می‌توانستی از تضاد میان ابرقدرت‌ها استفاده کنی که این میزان فلاکت گریبانت را نگرفته بود و این‌ها هر کدام ماجراهایی دارد. وقتی می‌شنویم دولت جدید در زمینه انتخاب افراد و جهت‌گیری‌ها، همان مسیر ۳۰ سال گذشته را می‌رود نگران می‌شویم.

این اقتصاددان اظهارداشت: ماجرای بحران توانمندی حکومت اینگونه سنجیده می‌شود، شاقولی در اقتصاد سیاسی توسعه با عنوان «شاخص مسئولیت پذیری حکومت در امور حاکمیتی» وجود دارد. امور حاکمیتی برقراری نظم و امنیت است. خانه‌های تهران را ببینید تا متوجه شوید مردم چقدر احساس امنیت می‌کنند! نمی‌خواهیم زحمت زحمتکشان را نادیده بگیریم، اما وقتی خودتان بحران می‌سازید خودتان در بحران گیر می‌افتید. نظم، امنیت، تغذیه، سلامت، آموزش و مسکن و زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز مردم با شاخص بودجه عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود. متفکران بزرگ توسعه می‌گویند در مفلوک‌ترین کشورهای دنیا که درآمد سرانه شان بین ۲۰۰۰ دلار تا ۵۰۰۰ دلار است این شاخص حدود ۲۳ درصد است در بودجه ۱٤۰۳ دولت رئیسی این شاخص به زیر ۱۰ درصد سقوط کرده است که نشان می‌دهد شوک درمانی کمر دولت را زودتر از مردم و تولید کننده‌ها می‌شکند، اما از آنجا که میان دولتمردان و دولت تفاوت وجود دارد این وضعیت را متوجه نمی شوند.

وی تاکید کرد: صمیمانه می‌گویم آقای پزشکیان از دولت رئیسی عبرت بگیرید. در سال ۱٤۰۱، وقتی ارز ترجیحی کالاهای اساسی را حذف کردند، بیش از ۱۰ جلسه علمی در موسسه مطالعات دین و اقتصاد و فرهنگستان علوم گذاشته شد و به ایشان هشدار داده شد، اما مسئولیتی در قبال پیامدهای تصمیمشان نداشتند و هیچ درکی از مسئولیت نیز نشان ندادند. ۵ مهره کلیدی دولت رئیسی در برابر اظهار نگرانی‌های ما گفتند آب از آب تکان نمی‌خورد و وضع فقرا هم بهتر خواهد شد. در اثر آن وعده‌های پرچ و ترخالی مردمی در این کشور جان و چشمشان را از دست دادند و به زندان افتادند، اما هیچ کس از آنها که عنوان «مسئول» را با خود داشتند «مسئولیت» نخواست و نپرسید که بر چه مبنایی این حرف پرچ را زده بودید! اگر آقای پزشکیان قادر نیست از تجربه دیگران درس بگیرد حداقل برای «یک سال» این کار را بکند، به توصیه آنها گوش کند اما اگر فاجعه ایجاد شد دیگر بفهمد که چه بر سر کشور و بر سر آبروی خودش آمده است.

مومنی با بیان اینکه بسیار تلخ است که یک نفر حکومت را در دست بگیرد و هنوز به درکی از تجربه ۳۵ ساله و ۳۰۰ بار شکست خورده شوک درمانی در ایران نرسیده باشد، گفت: اشکالی ندارد برای یک سال تست کنید، به آن مدعی تک نرخی کردن ارز اختیار تام دهید، ببینید چه می‌خواهد کند! اما روشن باشد که پرداخت کننده جریمه این خطا مردم محروم و مستضعف و تولید کننده‌های بی‌پناه کشور نباشند، آنها که در لباس خدمت، توصیه خیانت می‌کنند باید تنبیه شوند. ببینید باب این را هم باز کنید، این هم ثواب بزرگی در این کشور است. وی با بیان اینکه شوک درمانی علاوه بر اینکه دولت را به فلاکت می‌اندازد، پیامدهای دیگری هم دارد، اضافه کرد: ببینید چرا کارگران و کارمندان و بازنشسته‌ها این میزان معترضند، وقتی بنیه تولید را ضعیف می‌کنید و به دلالی و سوداگری پاداش‌های غیرعادی می‌دهید، دیگر چیزی وجود ندارد که میان آنها توزیع شود. روشن است که آنها نمی‌توانند از عهده زندگی شرافتمندانه با یک شیفت کار شرافتمندانه برآیند. خود دولت را نگاه کنید که از انتشار گزارش بدهی‌هایش شرم می‌کند با اینکه در این زمینه الزام قانونی وجود دارد، این چه جور شرمگینی است که بی‌حیایی‌گری قانون شکنی را متوجه نمی‌شود! البته که پنهانکاری آنها حکمت‌های دیگری دارد!

مومنی با تاکید بر اینکه شوک درمانی بحران آینده سوزی پدیدار می‌کند، گفت: شوک درمانی تورم‌های سنگین به مردم بی‌پناه تحمیل می‌کند و فرصت‌های شغلی را از آنها دریغ می‌کند. فلاکت را افزایش می‌دهد و از آن مهمتر اینکه یاس و سرخوردگی نسبت به آینده پدیدار می‌کند. افراد احساس بی‌آینده بودن می‌کنند. از جامعه شناسان استمداد می‌کنم که بگویند رفتارهای آن جامعه‌ای که احساس بی آینده بودن می‌کند، چگونه می‌تواند حرث و نسل را بر باد دهد.

این عضو هیات علمی دانشگاه شاغول فاجعه بار شدن بحران آینده سوزی در ایران را کاهش چشمگیر سرمایه‌گذاری‌های مولد دانست و ادامه داد: به پزشکیان و دوستان اطرافشان، می‌گویم کتاب «استراتژی امنیت ملی» را که به قلم «حسن روحانی» نوشته شده است بخوانید. تمام این حرف‌ها را پس از جنگ به شخص حسن روحانی و هاشمی رفسنجانی هم زده بودم، اما حسن روحانی آنقدر شرافت به خرج داده و این مساله را بیان کرده است! البته بدون اینکه به روی خود بیاورد که خودش جزء مقصرها در این زمینه است که به آن بی اعتنایی کرد و متوجه نشد که دوست واقعی او و هاشمی رفسنجانی و بالاتر و پایین‌تر او، آنها هستند که خطرات شوک درمانی و آزادسازی و اختصاصی‌سازی داده‌های عمومی را مطرح می‌کردند. متاسفانه تا امروز هم علائمی از فهم این مسئله در ساختار قدرت نمی‌بینیم، هنوز هم چاپلوس‌ها بیشتر کرامی داشته می‌شوند. اگر نقد کنی جزء اپوزیسیون تلقی می‌شوی! این هم سطحی از شعور و مایه تاسف است، اما وجود دارد

به گفته مومنی؛ روحانی در این کتاب می‌گوید اشتباه بزرگ ما این بود که به اسم بازارگرایی، راه را برای بورژوازی مستغلات بازکردیم. تمایلات سوداگرایان افراطی را فعال کردند و در نتیجه بخش اعظم منابع سرمایه‌گذاری شده در کشور در بخش مسکن و ساختمان رفت.

وی با تاکید بر اینکه در کشورهای عضو او. ای. سی. دی. پربحران‌ترین کشورها آنها هستند که سهم‌های افراطی از منابع کشور را در بخش مسکن و ساختمان کانالیزه کردند. آنچه که کشور را نجات می‌دهد، تولید فناورانه است، ادامه داد: ۵۰ میلیارد دلار منابع کشور در طرح‌های عمرانی فقط در ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ دود شده است، اضافه هزینه ای که کشور به دل